



فصل پنجم

تشکیلات تعلیم و تربیتی دبستانها

حسن تشکیلات تعلیم و تربیتی دبستانها در امر تحصیل و فائده‌ای که از آن در نظر است تأثیر بسیار دارد. در تعلیم و تربیت قواعد و قوانین مسلم چند هست که قطعاً معلمین بایستی از آن آگاه باشند و بجای اینکه بی سبب مقداری از وقت گرانهای خویش را در جستجوی راههای تازه تلف کنند قواعد مزبور را کار بندند. بستالوزی^۱ هم با آن عشق و دلبستگی زیادی که بتعلیم و تربیت اطفال داشت و با آنکه درین امر دارای استعداد و قوه ابتکار فوق العاده بود باز چون غالباً در تعلیم و تربیت شاگردان نظریات و عقائد شخصی را از قواعد و قوانین مسلمه بر تو میسرمد بنتائج دلخواه نمیرسید و چنانکه یکی از دوستان او نوشته است غالباً از اشتباهات خویش متأثر می شد و بر روزگار تاف گشته اشك حسرت می ریخت.

تشکیلات تعلیم و تربیتی دبستانها باید چنان باشد که هم راهنمای آموزگار گردد و هم او را تاحدی در کار خویش آزاد گذارد، بنابراین هر گاه تشکیلات مزبور از یک سلسله احکام و مقررات آمرانه پدید آید مفید نتواند بود چه درین صورت قوه ابتکار آموزگار را خاموش خواهد کرد و او را در تنگنای مقررات از حرکت و پیشرفت باز خواهد داشت.

تشکیلات تعلیم و تربیتی دبستانها مبتنی بر مسائل ذیل است:

- ۱- تنظیم دستور تعلیمات (پروگرام) دبستان.
- ۲- ترتیب اوقات کار دبستان.
- ۳- مطالعه دروس.
- ۴- انتخاب کتب و دفاتر.

۱ - از علمای معروف تعلیم و تربیت سوئیس است که بواسطه رنج بردن در راه بهبودی تعلیم و تربیت اطفال فقیر شهرت فوق العاده یافته است (۱۷۴۶ - ۱۸۲۷م).

۵- نظام دبستان .

۶- همکاری خانواده‌ها بادبستان در انجام وظیفهٔ تعلیم و تربیت .

۱- تنظیم دستور تعلیمات دبستان

دستور تعلیمات دبستانها که در هشنادوششمین جلسهٔ شورای عالی معارف بتاریخ پانزدهم مرداد ۱۳۰۶ تصویب شده شامل مواد ذیلست :

قرائت فارسی - انشاء - دستور زبان - دیکته - مشق خط - شرعیات - قرآن - اخلاق - علم الاشیاء - حفظ الصلحه - جغرافیا - تاریخ - حساب - هندسه - رسم - تعلیمات مدنی - عربی - ورزش - سرود .

دستور مشروح تعلیم هر يك از مواد مذکور نیز در تاریخ سابق الذکر بتصویب رسیده است . البته آموزگاران بایستی در اجرای دستور تعایمات دقیق باشند ولی درین دقت راه افراط نباید رفت دستور تعلیم که برای راهنمایی آموزگاران و تنظیم کارایشان نوشته شده است اگر چنان اجرا شود که قوهٔ ابتکار را از آموزگار سلب کند مفید نتواند بود . دستور تعلیمات مسائل مهمی را که باید بشاگردان دبستان بیاموزند تعیین می کند ولی میزان شرح و بسط هر يك از مسائل مذکور بسته بتشخیص آموزگارانست . در دبستان مقصود زیاد آموختن نیست ، بلکه منظور خوب آموختن است ، شاگردی که از دبستان بیرون می آید باید کم بداند ولی خوب بداند ... معلومات اطفال دبستان باید منتخب و متناسب با احتیاجات زندگی باشد ... پس آموزگاران آزادند که با ملاحظهٔ این نکات دستور تعلیمات را بتشخیص خود تفسیر کنند و بارعایت مقتضیاتی که درسطور بعد خواهیم گفت اجرا نمایند .

دستور رسمی تعلیمات برای تمام دبستانهای ایران نوشته شده ولی اگر بخواهند آنرا در تمام دبستانهای مرکز و ولایات یکسان اجرا کنند امکان پذیر و مفید نخواهد بود . در دبستانهای مرکز و بلاد بزرگ مملکت میتوان مواد دستور تعلیمات را بتمامی اجرا کرد ولی در دبستانهای کوچک روستائی که توجه مردم بتحصیل کمتر است البته باید از مواد آن بکاهند ، زیرا چنانکه از قدیم گفته شده و باز هم باید تکرار کرد « دستور تعلیمات برای شاگردان است ، نه شاگردان برای دستور تعلیمات . »

۲ - طریقه اجرا و تکمیل دستور تعلیمات

بنابر آنچه گذشت هر آموزگاری باید دستور تعلیمات را با مقتضیات دبستانی که در آن تدریس می کند تطبیق نماید و این امر بی تجربه و عمل امکان پذیر نیست . مواد دستور تعلیمات را یکایک باید آزمایش کرد و از آنچه زائد بنظر می رسد چشم پوشید و مطالبی را که آموختن آنها باطفال واجبست انتخاب و اختیار نمود ، چه حسن تعلیم بسته بحسن انتخابست .

اصولی که در تطبیق دستور تعلیمات با دبستان بایستی قطعاً رعایت شود بقرار ذیلست :

۱- دوره تحصیلی دبستان ، زیرا اجرای دستور تعلیماتی که فی المثل در ماه وقت لازم دارد در دبستانهایی که دوره تحصیلی آنها بمناسبت آب و هوا یا اعمال دیگر شش یا هفت ماه بیشتر نیست امکان ناپذیر است .

۲- میزان استعداد و هوش شاگردان ، چه میان استعداد و هوش شاگردان قصبات و شهرهای کم جمعیت دور افتاده با شاگردان شهرهای بزرگ تفاوت بسیار است و اطفال طبقه اول هر چند هم که با هوش و کنجکاو باشند کمتر از اطفال شهری با تعلیمات دبستان تجانس و تناسب دارند . زیرا غالباً بواسطه آنکه سرپرستانشان قسمت اعظم روز را در مزارع بکارهای روستائی مشغولند در خانه تنها بسر میبرند و چون در محیطی کوچک و یکنواخت زندگی میکنند حس کنجکاری ایشان کمتر برانگیخته می شود . ولی اطفال شهرهای بزرگ برخلاف چون غالباً با اقوام و بستگان خویش نزدیک و معاشرند خارج از مدرسه هنگام گردش و اوقات دیگر دائماً درباره مشهودات خود سئوالانی می کنند و سئوالات بیایی ایشان موجب مکالماتی می شود که هر یک بمنزله درسی تازه است . فی الحقیقه شهر با مناظر گوناگون و مردم فراوان خویش برای ایشان مدرسه دیگریست که از آن هر ساعت معلومات تازه فرامیگیرند .

پس قوای فکری این دو طبقه بایکدیگر متجانس نیست و نمیتوان دستور تعلیمات را درباره آن هر دو یکسان اجرا نمود .

۳- نوع دبستان و احتیاجات محلی ، بدیهی است که دستور تعلیمات دبستان دختران بایستی عیناً مانند دستور تعلیمات دبستان پسران باشد . در تعلیم دختران باید از حساب و هندسه و علوم کاست و در عوض خانه داری و معلومات دیگری را که طرف احتیاج زنانست تدریس کرد . همچنین در مدارس روستائی بیشتر بتعلیم امور فلاحتی باید پرداخت و بامحصّلین بجای مسائل صنعتی و تجارّتی که بکارشاگردان مدارس شهر می خورد از فلاحت سخن باید گفت ، بالاخره مواد تحصیّلی دبستانهای ساحل دریاها نیز بایستی بادبستانهای مرکزی مملکت و نواحی کوهستانی متفاوت و مطابق احتیاجات زندگانی مردم سواحل باشد .

ولی در همان حال که دستور تعلیمات در هر ناحیه بایستی با رعایت مقتضیات زندگانی ساکنین آنجا اجرا شود نکات اساسی و کلیات آن نیز باید محفوظ بماند . چه اگر بنا باشد که برای هر يك از نواحی مملکت دستور تعلیمات خاصی قائل شوند رشته یگانگی تربیت جوانان مملکت خواهد گسیخت .

۳- تقسیم دستور تعلیمات

برای هر يك از کلاس های دبستان دستور تعلیمات خاصی تهیه شده است ، آموزگار برای پیشرفت و سهولت کار خود باید این دستور را در میان ماه های تحصیّلی سال تقسیم کند ، چه در خلاف این صورت بسیاری از آموزگاران بگمان اینکه وقت بسیار دارند آهسته پیش رفته بتدریس تمام مواد نخواهند رسید و برخی دیگر مواد تحصیّلی را باختصار و شتاب تدریس نموده از شرح و بسط لازم در هر ماده باز خواهند ماند ، پس بهتر است که آموزگاران در آغاز سال آنچه را که از هر ماده باید تدریس کنند در مدت سال تحصیّلی تقسیم نمایند این تقسیم ممکن است سه ماهه یا ماهانه یا بازده روزه یا هفتگی باشد ولی ظاهراً تقسیم ماهانه از تقسیمات دیگر بهتر است ، چه در تقسیم ماهانه مقدار موادی که بایستی تدریس شود معلوم تر و روشن تر است و آموزگار می تواند بیک نظر راهی را که بپیموده و در پیش دارد تشخیص دهد . ولی در تقسیم سه ماهه چون مدت طولانیست بازیم آن خواهد بود که مقداری از مواد تحصیّلی کلاس در ماه سوم متراکم شود و آموزگار ناگزیر در تدریس آن باختصار پردازد ، مدت تقسیمات

پانزده روزه و هفتگی نیز چون کوتاهست آموزگار را در کار خود محدود می سازد و ممکنست او را از تشریح مطالب بحد لازم باز دارد.

پس بهتر آنست که هر يك از دروس دبستان در آغاز سال بعدد ماههای تحصیلی تقسیم شود و آموزگار در هر ماه قسمتی را که قبلا تعیین کرده است تدریس نماید. چون در ایران مدت تحصیل دبستانها معمولا نه ماهست باید هر يك از مواد را بنه قسمت کرد. ولی در دبستانهای روستائی و نواحی گرمسیر که مدت تحصیل سالیانه کمتر است البته تقسیمات دروس نیز کمتر میشود و تدریس هر ماده بهمان نسبت مختصر تر خواهد گشت. چیزی که درین تقسیم نبایستی فراموش شود تکرار و باصطلاح معمول شاگردان « دوره کردن » دروس است و باید لافل در هر سه ماه یک هفته و در پایان سال تحصیلی یکماه تمام باین امر اختصاص یابد.

ترتیب اوقات کار دبستان

پس از آنکه دستور تعلیمات هر کلاس تهیه شد و چنانکه در سطوری پیش گفتیم در مدت تحصیلی سال تقسیم گشت آموزگار باید طریقه کار روزانه خویش را معین سازد. دستور تعلیمات دبستانها با آنکه ظاهر آن مختصر و ساده می نماید شامل مواد گوناگونست که در مدتی محدود باید تدریس شود. پس برای اینکه تدریس مواد مزبور بدرستی انجام پذیرد ناگزیر ترتیب کار بومیه آموزگار را باید قبلا تعیین نمود. رعایت نظم و ترتیب از جمله واجبات زندگانی بشر است و البته این امر واجب در مدرسه نیز باید مراعات شود.

در دبستان واحد زمان هفته است که آنرا میان مواد مختلفه دروس با ملاحظه اهمیت هر يك تقسیم میکنند و چون وقت تدریس مواد بدین ترتیب در ایام هفته معلوم گشت هیچیک از آنها فدای دیگری نخواهد شد.

در تنظیم ساعات هفتگی دروس باید برای تدریس هر يك از مواد بفرآخور آن وقت کافی معین گردد چنان که در دستور تعلیمات دبستانها مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۰۶ تعیین شده است. همچنین ساعات دروس مختلف را بایستی با رعایت اصول عقلی و صحیح تنظیم نمود و تدریس مواد مشکل را با ساعاتی که شاگردان برای فهم آن مستعد تر و آماده ترند محول کرد

شاگردان معمولاً ساعت هشت و نیم صبح بمدرسه می آیند و درین ساعت شاداب و خرم و مہیای کارند . پس بهتر آنست که دروسی مانند حساب و دستور زبان و انشاء فارسی که فکر و دقت بیشتر لازم دارد در ساعات اول صبح و یا ساعات اول بعد از ظهر که باز شاگردان بواسطه چند ساعت بیکاری و استراحت حاضر الذهن تر و برای کار آماده ترند تدریس شود و ساعتہای بعد را بدروسی مانند نقاشی یا دیکتہ و امثال آن کہ قوای فکری شاگرد در آنها کمتر بکار میرود اختصاص دهند .

همچنین در تنظیم ساعات دروس نوع قوایی را کہ شاگرد در هر يك بکار میرود در نظر باید داشت و دو درس را کہ مربوط بقوة واحدیست متوالیاً تدریس نمود تا هیچیک از قوای شاگردان بواسطه کار طولانی فرسوده نشود . دروس حفظی طبعاً با حافظه شاگردان و حل مسائل ریاضی با قوه ممیزه و عاقله ایشان ارتباط دارد ، پس بهتر آنست کہ این دو موضوع را در دو ساعت متوالی تدریس کنند .

دروس شفاهی و کتبی را نیز باید حتی الامکان دنبال یکدیگر قرار داد تا در نوع کار شاگردان تغییری پدید آید و تنوع کار ایشان را از خستگی منصرف سازد ، علاوه برین چند ساعت کار متوالی نیز برای اطفال ، لال انگیز و دشوار است و باید در پایان هر درس چند دقیقه ای آنان فرصت داد کہ در حیاط مدرسه با آزادی بدوند و با فریادها و بازیهای کودکانه خستگی کار را از خود دور سازند . ضمناً درین چند دقیقه هوای کلاسها را نیز باید تجدید کرد .

صورت ساعات دروس هفتگی کلاسها پس از آنکہ بتصویب مفتشین مخصوص دبستانها رسید بایستی در هر کلاس بدیوار آویخته شود و آموزگاران در اجرای آن مکلف باشند .

فصل ششم

مطالعه دروس

پس از آنکه دستور تعالیم دبستان تنظیم یافت و اوقات کار آن نیز تعیین شد آموزگار مکلف است که با دقت کامل بتدریس مواد مختلفه پردازد و در فهماندن دروس بشاگردان از هیچگونه کوششی دریغ نکند.

آموزگاران بدلائل ذیل بایستی دروس و تکالیف روزانه کلاس را قبلاً

مطالعه و مهیا کنند :

اولاً - دستور تعالیم کنونی دبستانها با آنچه سابقاً معمول بود تفاوت بسیار دارد، چه علاوه بر اینکه اکنون بر نوع دروس افزوده شده است منظور نهائی تحصیلات دبستان و احتیاجات ممالکتی ایجاب میکند که آموزگاران دارای معلومات وسیع و متنوع باشند. از طرفی طرز تدریس امروزی هم با آنچه سابقاً مرسوم بود متفاوتست. امروز دیگر مبنای تعالیم دبستان کتب درسی و حافظه شاگردان نیست. پیش ازین آموزگار قسمتی از کتاب را بی آنکه توضیح کافی دهد در کلاس میخواند و شاگردان ناگزیر آنرا برای روز دیگر از بر میکردند. ولی امروز معلوم شده است که این سبک تدریس - از آنکه موجب کسالت و دلسردی اطفال از تحصیل شود نتیجه ای ندارد و تا آموزگار هر يك از مطالب درس را با توضیحات روشن و کافی بشاگردان خود نفهماند و هنگام تدریس هوش و قلب و زبان ایشانرا تحریک نکند از درس خویش فایده ای نخواهد برد.

مثلاً در درس قرائت فارسی اگر تنها خواندن عبارات منظور باشد البته درس ناقص خواهد بود. آموزگار باید در ضمن قرائت معنی و مقصود کلی فصلی را که شاگردان میخوانند برای ایشان تشریح کند و لغات مشکل آنرا توضیح دهد و گرنه اگر شاگردان صفحه ای از کتاب را درست بخوانند ولی بمعنی آن پی نبرند فایده درست خواندن چیست؟ همچنین است در درس املاء و انشاء. در درس املاء همانطور که املائی لغات مشکل بشاگرد آموخته میشود معانی یکایک آنها و مقصود کلی مطالبی که نوشته شده است

نیز باید گفته شود تا هیچ چیز بر شاگرد مجهول نماند. چه اگر مفاهیم لغات را بشاگردان نیاموزند املای صحیح آن در خاطر ایشان نخواهد ماند. در درس انشاء هم آموزگار باید پیش از آنکه شاگردان شروع بنویشتن کنند در باب موضوعی که برای انشاء معین کرده است بحث کند و حتی الامکان ایشان را با افکار اساسی تر و بهتر رهبری نماید.

ولی البته آموزگار وقتی می تواند درس قرأت یا املاء و انشاء و سایر دروس مانند تاریخ و جغرافیا و امثال آنرا خوب بیان و تشریح کند که قبلاً در باره آنها مطالعه کرده باشد.

سابقاً آموزگاری کار سهلی بود، زیرا آموزگاران متن کتب را میخواندند و شاگردان از برمی کردند. ولی امروز آموزگار ناگزیر است که مطالب درس را با بیان جامع و کاملی برای شاگردان تشریح کند و این امر زمانی بروی میسر تواند شد که معلوماتش در آن درس از آنچه در کتاب مخصوص کلاس نوشته شده است بیشتر باشد. پس ناگزیر هر شب باید در فکر دروس فردای خویش باشد و با مطالعه مواد آن از روی کتب مفصل تر خود را برای انجام وظیفه مهیا سازد.

تعلیمات مدرسه بمنزله غذای روحی شاگردانست. همانطور که غذای جسم را پیش از بکار بردن انتخاب و آماده میکنیم غذای روح نیز باید قبلاً انتخاب و آماده گردد. ثانیاً - برخی از آموزگاران تصور میکنند که دروس دبستان محتاج بمطالعه نیست و استناد ایشان بر اینست که چون از دبیرستانها یادانشکدهها بیرون آمدند قطعاً معلوماتشان برای تدریس مواد تحصیلی دبستان کافست. ولی این تصور غالباً بخطاست، چه اشخاصی هم که از دانشگاه تصدیق دارند اگر در معلومات خود تمرین نکنند طبعاً قسمتی از آنرا فراموش خواهند کرد و مخصوصاً در جزئیات مطالب حاضر الذهن نخواهند بود. مثلاً کسی که در تاریخ فارغ التحصیل شده است اگر پس از چندی با آموزگاری منصوب شود و دروس خود را قبلاً مطالعه نکند هنگام تدریس ناگهان منتقل خواهد شد به برخی از اسامی و جزئیات تاریخ را فراموش کرده ورشته ارتباط وقایع از دست او خارجست، درس آموزگاری که بانکاء معلومات قدیم خویش بی مطالعه بتدریس پردازد بی روح و تردیده آمیز و مبهم و مشوش است. چه درس زمانی گرم و قطعی و مؤثر و روشن

تواند بود که گوینده بر آنچه میگوید مسلط و قادر باشد و مطالب خویش را با ایمان کامل ادا کند. درسی که با تردید و ابهام گفته شود شاگردان را خسته و مایل خواهد ساخت و بر معلومات ایشان چیزی نخواهد افزود.

گاه نیز آموزگاران که درس خود را قبلاً مطالعه نکرده اند چون هنگام تدریس بنقص معلومات خویش پی بردند میگویند که بوسیله بیان کافی آن نقیصه را رفع کنند، پس خواهان خواهد از موضوع خارج میشوند و جزئیات و مطالبی که در ایضاح درس تأثیری ندارد می بردارند و مسائل اساسی را در حجاب فراموشی میگذارند. چنین درسی نیز البته ناقص و بی فایده است.

بنابراین بر هر آموزگاری هر چند هم که به او معلومات خویش معتقد باشد، واجب است که دروس روزانه را قبلاً مطالعه کند و با اطمینان خاطر بکلاس رود. البته این کار مستلزم تحمل زحمتی است ولی این زحمت را آموزگاران که با انجام وظیفه و کار خویش دلبستگی دارند با آسانی تحمل میتوانند کرد.

ثالثاً - هر گاه آموزگاران قبلاً درس خود را مطالعه کنند و درس ایشان دلپسند و کامل و بر مایه باشد طبعاً محبت شاگردان را تحصیل و مدرسه جلب خواهند کرد و این امر گذشته از سود معنوی موجب رونق کار دبستان خواهد گشت.

رابعاً - هر گاه آموزگار درس خود را قبلاً مطالعه کند و در تدریس آن مسلط باشد کلاس او نیز قرین نظم و آراش خواهد بود. زیرا بی نظمی کلاس غالباً از تردید و توقف آموزگار و مبهم بودن درس او بدید میاید. بدیهی است وقتی که آموزگار مطالبی را نداند و ناگزیر برای یافتن آن در کتب خویش جستجو بردارد شاگردان هم ساکت نمی نشینند و باختلال نظم کلاس برمی خیزند.

آموزگار علاوه بر مطالعه درس باید تکالیف کلاس را نیز قبلاً مهیا کند یعنی در درس ریاضی مسائلی را که شاگردان بایستی حل کنند پیش از ورود ایشان بکلاس روی تخته سیاه بنویسد و در درس احواء و انشاء و امثال آن از روی کتب خویش موضوعات را قبلاً انتخاب کند و صفحه کتاب را علامت گذارد. انتخاب اینگونه موضوعات از لحاظ تعلیم و تربیت دارای اهمیت بسیار است، چه هر موضوعی باید با میزان معلومات

شاگردان متناسب و با آنچه تدریس شده است مربوط باشد. هر گاه آموزگاران گونه موضوعات را قبلاً انتخاب نکنند و در آنها مطالعه کافی از لحاظ قوه شاگردان و معلومات کلی کلاس و ارتباط موضوع با درس گذشته ننمایند ممکنست بر اخطار و دو موضوعی را که فراخور کلاس بالانبر باشد بکلاس باین تر دهد و از رعایت قوه شاگردان و ارتباط موضوع با درس غافل ماند.

پس از مطالعه درس بازمه نیابستی بحافظه خود متکی شد و بهتر آنست که آموزگاران رؤس مطالبی را که باید در هر روز تدریس کنند در دفتر کوچکی یادداشت نمایند و مسائل کلی را از جزئیات مجزا و مشخص سازند، درس دبستان باید ساده و روشن باشد. اگر معلومات آموزگار در موضوعی که تدریس میکند زیاد است باید فهم و استعداد دماغی شاگردان را نیز ملاحظه کند و از بحث عالمانه و مفصل احتراز جوید. آموزگاران تازه کار جوان که غروری از تحصیلات خود در سر دارند غالباً این امر را رعایت نمیکنند و برای اظهار فضل در کلاس کوچک دبستان که بازار فضل فروشی نیست خود و شاگردان را بزحمت می افکنند.

هر درسی معمولاً دارای دو پایه فکر اساسی اصلی است، باید بشریح و توضیح افکار مزبور همت گماشت و از بیان جزئیات بی ثمر اجتناب کرد. بحث در جزئیات جز تاریخ کردن مطالب اساسی و انباشتن حافظه شاگردان از معلومات متفرق ناپایدار نتیجه ای ندارد. آنچه از درس در خاطر شاگرد خواهد ماند مطالب کلی اساسیست، آنها در صورتیکه خوب توضیح و تشریح شده باشد.

از آنچه گذشت معلوم شد که مطالعه درس بر آموزگاران واجبست و معلم خوب آنکسی است که برای پیشرفت و تکمیل کار خویش رنج مطالعه را بر خود هموار سازد و هر روز چیزی بر اطلاعات خود در رشته ای که مسئول تدریس آنست بیفزاید، تا هم ازین راه بنیان معلومات شخصی وی استحکام پذیرد و هم شاگردانش از وی بیشتر استفاده کنند.

فصل هفتم

کتاب ودقتر

۱- کتاب

پس از آنکه آموزگار درس را در کلاس تقریر و تعریف کرد شاگردان آنرا در خانه از روی کتب مخصوص درس قرا میگیرند، بنا برین کتاب مهمترین وسیله کار شاگردانست و بایستی با دقت کامل انتخاب شود.

در انتخاب کتاب درسی رعایت شرایط ذیل واجبست: اولاً کتاب درس هر کلاس باید با دستور تعلیمات آن مطابقت کند چه هر گاه - بنا آنکه غالباً دیده میشود از حدود تعلیمات کلاس برتر باشد فهم آن بر شاگردان دشوار خواهد بود و بدین سبب از تحصیل بیزار میشوند. این تقیصه امروز در دبستانهای ایران تا حدی مرتفع شده زیرا وزارت معارف برای هر یک از کلاسها کتاب جامع مخصوصی متناسب با دستور تعلیمات آن تألیف کرده است.

ثانیاً کتب درسی باید حاوی مطالب اساسی باشد و هر مطالبی نیز موجز و ساده نوشته شود ولی مقصود از اینجاست که مطالب را خشک و بیروح ادا کنند. بلکه، مخصوصاً در کتب درسی واجبست که عبارت درعین ایجاز دلپسند باشد. در پایان هر درسی باید خلاصه ای از آنرا تکرار کرد و تکالیفی چند تعیین نمود که شاگرد شفاهاً یا کتباً انجام دهد.

ثالثاً انشاء کتاب درسی باید ساده و درخور فهم شاگردان باشد. درینگونه کتب اجتناب از عبارت بردازی و آوردن سجع و قافیه یا استعمال لغات مشکل که اساساً پسندیده نیست واجبست و واجبتتر از آن رعایت درستی عبارات و لغات. زیرا همه میدانند که شاگردان دبستان متن کتاب را از بر میکنند و هر گاه عبارات کتاب نا تندرست و از قواعد زبان دور باشد طبعاً اطفال را در نگارش زبان مادری گمراه خواهد کرد. متأسفانه این تقیصه هنوز در قسمتی از کتب درسی ما باقیست و بسیاری از معالمن که

از قواعد زبان خود بی اطلاع و با اصول نوبسندگی بیگانه اند بتالیف کتبی در رشته معلومات خویش میپردازند و از کار خود استفاده کرده آنها را در مدارس رائج میسازند و با عبارات ناروا و لغات و ترکیبات غلط نسلی را بیسوادی و زبانی را با انحطاط و نیستی سوق میدهند .

رابعا کتب درسی دبستانها باید با تصاویر صحیح و زیبا که جالب نظر اطفال و دستیار ایشان در فهم مطالب کتاب باشد مزین گردد ، و نیز در طبع کتاب رعایت تقاست و پاکیزگی و صحت واجبست .

در انتخاب کتاب قرائت گذشته از شرائط سابق الذکر دقت بیشتری لازمست زیرا مطالب کتاب قرائت در اخلاق و روحیات اطفال تأثیر کلی دارد و مربی ارواح و قلوب ایشانست چه بسا اشخاصی که در جوانی و پیری هم چون مطالب مؤثر و دلپذیر کتاب قرائت خود را در روزگار کودکی بخاطر می آورند باز از آن لذت میبرند ! مطالب کتاب قرائت بایستی چنان انتخاب شود که هم بر معلومات اطفال بیفزاید و هم دریشان احساسات پسندیده و پاک برانگیزد . فصولی که معمولا از کتب علمی یاصحیح و امثال آن اقتباس می کنند و بکتاب قرائت میفزایند در نزد اطفال دلپذیر نیست و فائده اصلی را که تشویق شاگردان بقرائت است از کتاب سلب میکنند .

۴ - دفاتر مطالعات فرنگی

شاگردان هر کلاس برای انجام تکالیف کتبی بدفاتر چند از قبیل دفتر تکالیف روزانه ، دفتر عمومی و دفاتر مخصوص دیگری ، که درسطور ذیل خواهیم گفت ، محتاجند . شاید بکار بردن این دفاتر امروز در دبستانهای ما متداول نباشد ولی بکار بردن آنها موجب پیشرفت کار محصلین خواهد بود .

۱- دفتر تکالیف روزانه سابقا در مدارس معمول بود و شاید هنوز هم معمولست که شاگردان برای هر درسی دفتری مخصوص داشتند ، مانند دفتر مشق خط ، دفتر مسائل حساب ، دفتر انشاء ، دفتر جغرافیا و امثال آن ... بدین ترتیب شاگردان در هر دفتر چند سطر مینوشتند و در ظرف روز ناگزیر چندین

بار ازین دفتر بدان دفتر مراجعه می‌کردند ، در نتیجه هم دفاتر پاره و کثیف بود و هم مدتی از وقت ایشان بجزستن و ورق زدن دفاتر میگذشت .

همچنین در مدارس معمول بوده‌است که شاگردان دو دفتر تهیه میکنند ، یکی بنام دفتر « مسوده » و دیگری « دفتر پاك نویس » . تکالیف از هر قبیل نخست در دفتر مسوده نوشته میشود و سپس بدفتر پاك نویس منتقل میگردد . این ترتیب نیز پسندیده نیست . زیرا دفتر مسوده شاگردان را عادت میدهد که تکالیف خود را بخیال اینکه بعد در دفتر پاك نویس خواهند نوشت بابتی دقتی و شتاب انجام دهند . بعلاوه نقل تکالیف از دفتری بدفتر دیگر وقت گرانهای اطفال را بی سبب تلف میکند و ایشان را بر آن میدارد که کاری انجام شده را تکرار کنند . البته مراجعه بتکالیف و تصحیح و جرح و تعدیل آنها لازمست ولی شاگرد میتواند اینگونه عملیات را روی اوراق جداگانه یا سنگ لوح انجام دهد و پس از آنکه تکالیف را کامل و بی عیب پنداشت در دفتر بنویسد .

با از میان بردن دفتر مسوده دفتر پاك نویس هم که چیز بیفائده است از میان میرود ، زیرا این دفتر با آنکه ظاهری آراسته دارد فی الحقیقه بی‌معنی و بیفائده است و از آن بمیزان کار و معلومات شاگرد پی نمیتوان برد . چه شاگردان تکالیف را پس از تصحیح معلم درین دفتری می‌نویسند و از اغلاطی که خود در اصل مرتکب شده بوده‌اند ذکری نمی‌کنند .

بنابراین بهتر آنست که شاگردان هر کلاس دفتری بنام « دفتر تکالیف روزانه » داشته باشند و تکالیف دروس هر روز را بترتیب بدون آنکه قبلاً در دفتر مسوده‌ای نوشته شده باشد در آن دفتر بنویسند . منتها ممکنست تکالیفی را که محتاج بعملیات و اصلاحات مقدماتیست مانند تکالیف ریاضی و انشاء قبلاً روی کاغذ پاره یا سنگ لوحی انجام دهند .

دفاتر تکالیف روزانه بهترین معرف کار شاگردان و نماینده معلومات ایشان در هر يك از رشته‌های تحصیلی است . بعلاوه از روی آن بطرز اجرای دستور تعلیمات کلاس و کار آموز گاران نیز پی میتوان برد .

۲- دفتر عمومی
بکار بردن دفتر عمومی در دبستانهای ممالک اروپائی مدتیست متداول شده ولی اجباری نیست. این دفتر نیز حاوی تکالیف روزانه کلاس است که هر روزی يك شاگرد نوبت می نویسد. فائده دفتر عمومی آنست که در شاگردان رقابتی ایجاد میکند، چه هر يك از ایشان در نوبت خود طبعاً سعی خواهد کرد که تکالیف را بهتر از دیگران انجام دهد. بعلاوه چون دفتر عمومی نماینده کار تمام شاگردان کلاسست درجه معلومات عمومی کلاس و پیشرفت دروس آن را ازین دفتر بخوبی میتوان دریافت.

۳- دفاتر مخصوص
مهمترین دفاتر مخصوص شاگردان دبستانها دفتر مشق خط و دفتر نقاشی و دفتر انشاء و دفتر مطالب اخلاقی و دفتر کارهای دستی است.

دفتر مشق خط - دفتر مشق خط یا رسم المشق بیشتر در سه کلاس اول دبستانها باید بکار رود و در کلاسهای بالاتر شاگردان میتوانند مشق خط را نیز در دفاتر تکالیف روزانه خود انجام دهند. معینا استعمال دفاتر رسم المشق در کلاسهای بالا نیز ضروری ندارد ولی در صورت البته آموزگار باید برای شاگردانی که در حسن خط پیشرفتی کرده اند دفاتر بی رسم مشق انتخاب کند.

دفتر نقاشی - تکالیف نقاشی باید روی اوراق مخصوص نقاشی انجام گیرد و از آنها دفتر مخصوصی ترتیب داده شود. آموزگاران نقاشی باید بیشتر شاگردان را بکشیدن تصاویر از روی حقیقت عادت دهند و از تقلید نمونههای چاپی یا تصاویری که روی تخته سیاه کشیده شود باز دارند.

دفتر انشاء - فائده این دفتر آنست که آموزگار میتواند تکالیف انشاء فارسی شاگردان را خارج از کلاس تصحیح کند و وقت کلاس را فقط صرف درس نماید.

دفتر مطالب اخلاقی - آموزگار پس از هر يك از دروس اخلاقی خود بایستی خلاصه ای از آن روی تخته سیاه بنویسد تا شاگردان در دفتر مخصوصی یادداشت کنند و در کلاس یا خانه بدان مراجعه نمایند و نیز هر گاه آموزگار از گفتار بزرگان و منتخباتی گفته باشد باید شاگردان آنرا در دفتر اخلاق بنویسند.

دفتر کارهای دستی - این دفتر بیشتر در دبستانهای دختران بکار می رود و شاگردان نمونه‌های از کارهای خیاطی خود را بصفحات آن الصاق میکنند . البته لازم‌بشد کار نیست که آموزگار باید شاگردان خود را از روز اول پیا کیزگی ودقت وعلاقمندی بکار معناد سازد و هر غلط و خطائی که در تکالیف ایشان مشاهده میکند با دل‌بستگی واقعی تصحیح نماید و گرنه هر گاه شاگردانی را که دفاتر پاره و کشیف دارند تو بیخ نکند و در تصحیح تکالیف مانند بسیاری از معلمین بکشیدن خطی آبی یا سرخ بر روی صفحه بعنوان اینکه بدان نظری کرده است اکتفا کنند فائده تنظیم جزوه ونوشتن تکالیف چه خواهد بود ؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل هشتم

نظام دبستان (دیسپلین)

۱- منظور اصلی

منظور اصلی از نظام دبستان مستقر ساختن نظم و کار در کلاس، اصلاح اخلاق شاگردان و معتاد ساختن ایشان بآداب و وجود خویشتن است.

نظام کنونی دبستانها نظام آزاد است. یکی از وزیران خارجه فرانسه در دستوری که بمديران مدارس داده است می نویسد: «نظام مدرسه باید چنان رعایت شود که با اصول آزادی موافق باشد. بر شاگردان حکومت و فرمانروائی نباید کرد و فقط در اصلاح اخلاق و هدایت ایشان بطریق صواب باید کوشید. اطاعت و نظم ظاهری که از ترس ایجاد شود حقیقی و پایدار نیست. مدرسه باید با تعلیمات اخلاقی ضمائر و روحیات اطفال را تربیت کند و دریشان اطاعت و اقیاد درونی پدید آورد و چنان کند که کم کم خود مربی وجود خویشتن شوند و بدین مقصود از طریق مهر بانی و جلب خاطر و نصیحت زودتر از راه خشونت و تنبیه و زجر میتوان رسید. مقصود از مهر بانی و جلب خاطر آن نیست که شاگرد را در هر کار آزاد گذارند و خطاهای او را نادیده گیرند. مهر بانی باید باندبیر و سیاست و قدرت توأم باشد تا از آن نتیجه مطلوب بتوان گرفت. نظامی که فقط بدستگیری خشونت و سختی و زجر پدید آید چون مبتنی بر ترس و بدگمانی و اضطراب است ناپایدار و صورتیست. شاگردان در ظاهر مطیع و آرامند ولی آتش طغیان و سرکشی در ضمیر ایشان روشنست و روزی زبانه خواهد کشید.

نظام آزاد مربی اراده و عقل و ضمیر اطفالست و برای مملکت جوانان آزاد فکر و معتمد بنفس تربیت میکند ولی نظام سخت و خشن برخلاف بجای آنکه طفل را تربیت نماید مقهور و ذلیل میسازد و اراده شخصی او را درهم شکسته در وی روح مدانه و دروغ را می پروراند و برای مملکت بجای مردان آزاد غلامان فرمانبردار میسازد.

نظام مدرسه را نمیتوان درباره عموم شاگردان بیک صورت اجرا کرد و با هر